فهرست

[موضوع: تفسیر تربیتی/ مقدمات 2](#_Toc149663553)

[پیشگفتار 2](#_Toc149663554)

[آیات مرتبط با مراحل تربیت 2](#_Toc149663555)

[طایفه اول از آیات 2](#_Toc149663556)

[طایفه دوم از آیات 5](#_Toc149663557)

[نکاتی پیرامون آیه ۱۴ سوره مؤمنون 6](#_Toc149663558)

[نکته اول: از نظر علمی 6](#_Toc149663559)

[شبهه در آیه ۱۴ سوره مؤمنون 6](#_Toc149663560)

[جواب شبهه 6](#_Toc149663561)

[طایفه سوم از آیات 8](#_Toc149663562)

# موضوع: تفسیر تربیتی/ مراحل رشد در قرآن

# پیشگفتار

بحث در آیات مربوط به مراحل رشد بود و در آغاز بحث، قبل از ورود در موضوع مراحل رشد مقدماتی کوتاه در باب تفسیر موضوعی در باب تربیت اشاره کردیم و در آن زمینه در مواضع مختلف نکات متعدد تاکنون در موقعیت‌های مختلف طرح شده است که آن‌ها باید بازسازی شود و در واقع مقدمه‌ای برای تفسیر موضوعی می‌شود با نگاهی به حوزه‌های علوم انسانی و محورهای جدید و نیاز به جمع آن مباحث و تحریر و تقریر و تنقیح دارد. اینجا هم به چند نکته در آغاز ورود بحث اشاره کردیم.

در موضوع مراحل رشد و تربیت در مقدمه، در دو سه جلسه نکاتی عرض کردیم و در این زمینه هم جسته و گریخته سابق هم مطالبی گفته بودیم و آن هم نیاز به جمع‌بندی و تقریر و تنقیحی دارد که در جای خود انجام خواهد شد. ان‌شاءالله.

# آیات مرتبط با مراحل تربیت

اما وارد آیاتی خواهیم شد که مرتبط با مراحل رشد و تربیت است، شاید چهل پنجاه آیه حداقل داشته باشیم که اشاره به مراحل پیدایش و تکوُن و تطور و ادوار و مراحل زندگی بشر کرده است با رویکردها و نگاه‌هایی که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

در این مباحث موضوعی طبعاً بر خلاف آنچه در خیلی از تفسیر آیات که وارد می‌شویم به شکل مبسوط و مستوعب نکات و جهات متعدد را متعرض می‌شویم، این شکل اینجا عمل نمی‌کنیم، برای اینکه اینجا یک نگاه کلان و مجموعی به آیات مرتبط با یک موضوع مهم و بزرگ و گسترده داریم از این جهت است که آیات را طبقه‌بندی می‌کنیم و نگاهی به آیات خواهیم افکند، اما بدون اینکه خیلی در تفاصیل آیات و جزئیات آن به شکل تفسیر ترتیبی ریز بشویم.

در اولین مقام بحث این است که ببینیم آیاتی که به شکلی در ادوار و مراحل رشد و تکون انسان پرداخته‌اند به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ این موضوع اول است که نگاهی بیفکنیم به طوایف از آیات در موضوع، بررسی آیات از حیث یک نوع طبقه‌بندی و گروه‌بندی در میان این آیات، البته این طبقه‌بندی و گروه‌بندی به شکل نسبی و تخمینی است خیلی مرزها را نمی‌شود جدا کرد و یک طایفه‌بندی خیلی دقیق ارائه داد ولی به شکل نسبی می‌شود آیات مرتبط با بحث مراحل رشد و مراحل تکون و تطور انسان را گروه‌بندی کرد و برای آن طوایفی ذکر کرد به شکلی که خواهیم گفت ملاحظه خواهید کرد.

## طایفه اول از آیات

اولین طایفه از آیات شریفه مربوط به مراحل تکون و تطور انسان آیاتی است که صرفاً به مبدأ خلقت انسان و نقطه آغازین خلق انسان اشاره‌کرده‌اند. این گروه اول است این گروه هم به دو دسته تقسیم می‌شود، بعضی به آغاز خلقت نوع انسان اشاره کرده‌اند و بعضی به فرد انسان توجه دارند.

پس گروه اول؛ آیاتی است که تمرکز بر آن مبدأ خلقت و آغاز پیدایش انسان دارند، تمرکز بر مبدأ و نقطه آغاز خلقت دارند که به دو زیرگروه و ریز گروه تقسیم می‌شوند و بعضی به انسان به‌مثابه نوع نگاه دارند و بعضی به هر فرد و هر شخص به شکل انحلالی توجه دارند. اینها به تکون انسان در عالم طبیعت و عالم ماده به شکل نوع یا به شکل فرد اشاره می‌کنند.

در این دسته آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که عمدتاً در یک مرحله در آغاز تمرکز دارند و هیچ چیز غیر از آن ندارد، حالا با نگاه خالق یا معاد و امثال اینها و گاهی یک مرحله دیگر هم به آن اضافه می‌کند. این یک گروه است با این شکلی که عرض کردیم که تمرکز بر یک مرحله و آغاز خلقت دارد. یا به نوع یا به فرد و احیاناً هم به یک مرحله دیگر از مراحل میانی یا پایانی هم اشاره می‌کند ولی تمرکز روی مبدأ است.

ضمن اینکه در آیات متعدد بحث‌های کلی‌تری راجع به خلقت هست، **﴿وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْ‏ءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْديراً﴾**[[1]](#footnote-1)اینکه خلقت خدا روی اندازه‌گیری است، روی نظامی است و جهت‌گیری مشخصی دارد، اینها آیات کلی است که مربوط به خلقت است و الان به آن‌ها کاری نداریم. خود خَلَق در بعضی از لغات به معنای تقدیر و اندازه آمده است و بعد‌ها به تدریج در معنای خاص خود آمده است.

این گروه اول به عنوان نمونه ما آیاتی از آن را عرض می‌کنیم و تقدیم می‌کنیم مثلاً این آیه شریفه در سوره حجر، آیه ۲۶ **﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ﴾**، این آیه به مبدأ خلقت اشاره می‌کند که انسان را **﴿مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ﴾** آفریدیم. یا در سوره مؤمنون می‌فرماید: **﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِینٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِی قَرَارٍ مَّکِینٍ﴾**[[2]](#footnote-2) که تمرکز بر آغاز خلقت است که از یک طین فشرده‌ای او را خلق کردیم. **﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِیهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِیعًا بَصِیرًا﴾**[[3]](#footnote-3) در اینجا باز تمرکز آیه بر مرحله آغاز است.

یا در سوره دهر، یا در سوره صافات: **﴿إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِینٍ لَازِبٍ﴾**[[4]](#footnote-4) از گل چسبنده‌ای او را آفریدیم و یا در جای دیگر **﴿خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ﴾**[[5]](#footnote-5) این مجموعه‌ای از آیات است که عمدتاً به یک مرحله و آن هم آغاز اشاره کرده است و بعضی از اینها به فرد ناظر است و بعضی به نوع ناظر است، به فرد یعنی به شکل انحلالی، همه بشر این‌طور هستند. مثل آن آیه شریفه که می‌فرماید **﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ﴾** اینجا به افراد به نحو انحلالی اشاره دارد و کار به نوع و آغاز نوع ندارد، آغاز هر فرد را می‌گوید البته غیر از حضرت آدم، طبق آنچه از قرآن استفاده می‌شود طبق تفاسیری که الان وجود دارد، **﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ﴾** این طبیعت فرد بشری را از حیث مبدأ خلقت بیان کرده است یا **﴿أَوَلَمْ یَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِیمٌ مُبِینٌ﴾**[[6]](#footnote-6) این یک بخش از طایفه اول است که به افراد توجه دارد غیر از حضرت آدم که تفسیر رایج متداول اشاره دارد و می‌گوید از این نقطه کوچک و ناچیز آغاز شد. معمولاً هم تکیه قرآن در بیان مبدأ خلقت به کوچکی و ناچیزی آن هست. علی‌رغم اینکه خیلی عظمت دارد ولی به هر حال نسبت به آن که انسان کامل آن خیلی چیز ناچیز و غیر قابل توجه است از این منظر و در نسبت با کمال انسان.

پس این یک دسته از این طایفه اول است که به اشخاص و افراد به نحو انحلالی، غیر از مبدأ نوع اشاره می‌کند و آن مبدأ را ماء دافق، نطفه، در چند آیه اشاره می‌کند. بعضی آیات هم دارد که **﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾**[[7]](#footnote-7) که الان نطفه که نقطه خیلی متقدم‌تر است اشاره نمی‌کند کمی جلوتر می‌آید و علق را بیان می‌کند، شروع را از آنجا می‌گیرد.

این یک دسته که به یک مرحله که عمدتاً به آغاز اشاره می‌کند و گروه اول این است که به افراد توجه دارد.

گروه دیگر در همین طایفه به نوع توجه دارد، نوع که می‌گوییم مقصود آغاز نوع هست، آغاز نوع اشاره می‌کند یعنی خلقت حضرت آدم که بنا بر یک احتمال این آیات از این قبیل است **﴿خَلَقَکُم مِّن طِین ثُمَّ قَضَیٰ أَجَلاً﴾**[[8]](#footnote-8) این بنا بر یک احتمال اشاره به خلقت حضرت آدم دارد.

آیاتی که به خلقت حضرت آدم علیه‌السلام اشاره می‌کند نوع دیگری از این گروه اول است یعنی به مبدأ خلقت نوع یا اولین فرد از انسان اشاره می‌کند و مبدأ را طین اشاره می‌کند.

در این گروه دوم که به مبدأ خلقت اشاره می‌کند چند دسته هستند بعضی اشاره می‌کند به اینکه **﴿خَلَقَکُمْ مِنْ تُرَابٍ﴾**[[9]](#footnote-9)، بعضی دارد من طین و آن آیات هم هست که بعضی جاها هست که **﴿هُوَ ٱلَّذِی خَلَقَ مِنَ ٱلمَاءِ بَشَراً﴾**[[10]](#footnote-10) بنا بر این که بگوییم مقصود انسان اول است. این هم یک ریز گروه و ضمن این نوع اول است.

نوع دیگری هم از آیات هست که دو احتمال در آن هست، مثلاً آیه‌ای که می‌فرماید **﴿هُوَ ٱلَّذِی خَلَقَکُم مِّن تُرَاب ثُمَّ مِن نُّطفَة﴾**[[11]](#footnote-11) یا همان آیه‌ای که می‌فرماید **﴿وَمِن آیَاتِهِ أَن خَلَقَکُم مِّن تُرَاب ثُمَّ إِذَا أَنتُم بَشَرٍ تَنتَشِرُونَ﴾**[[12]](#footnote-12) یا آیه **﴿خَلَقَ مِنَ ٱلمَاءِ بَشَراً﴾** بعضی آیات هست که دو احتمال دارد، یک احتمال این است که مبدأ خلقت و نوع را می‌گوید، احتمال دیگر در برخی از این آیات هست که می‌گوید طبیعت انسانی مثل خیلی از موجودات و همه حیوانات، مبدأ آن آب است یا خاک است نگاه به اول و بعد ندارد، یک نگاه کلی دارد که می‌گوید **﴿خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ﴾**[[13]](#footnote-13) می‌خواهد بگوید در پیدایش این کالبد و جسم و این وضعیت انسان و حیوان هم مواد خاک دخالت دارد و هم آب و چیزهایی از این قبیل، گروهی هم از این قبیل است.

سؤال:

جواب: در مقام سوم و چهارم می‌رسیم که طرح این بحث‌ها در قرآن چه اهدافی دارد که ما چند مورد را نوشته‌ایم و باید تکمیل کنیم. آیا فقط برای تربیت ماست یا نگاهی هم به مسائل تربیت به معنای خاص دارد، یک رویکرد عام دارد خدا در تربیت بشر، همه اینها را بیان می‌کند که نکات معادی و مربوط به مبدأ و معاد متذکر بشود ما بیدار بکند نسبت به آن، این که مسلم است آیا فراتر از اینها یک باری دارد؟ این سؤال کلیدی است که باید جلو برویم و سؤال اصلی بحث هم همین است.

این یک گروه از آیات است که تمرکز بر یک مرحله و آن هم مراحل آغازین است و گاهی شروع نوع را مورد توجه قرار می‌دهد و گاهی هم شروع هر فرد را مورد توجه قرار می‌دهد و غیر از این دو نوع که در طایفه اول هستند بعضی از اینها نگاه مشترکی در آن وجود دارد می‌گوید طبیعت ساختمان وجودی انسان و حتی حیوان این است که از طین و ماء است که اینها مواد اولیه است که در شکل‌گیری اینها مؤثر بوده است. این دو سه نوع از آیات است که در گروه اول قرار می‌گیرد.

طوایف دیگر که می‌گوییم همه بیش از یک مرحله است مراحل را تقسیم می‌کند و به مراحلی اشاره می‌کند بیش از یک مرحله.

این آیاتی که از گروه اول بیرون می‌آیند و به بیش از یک مرحله توجه می‌کنند به تدریج در طوایف بعدی به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

## طایفه دوم از آیات

آیاتی است که تمرکز آن‌ها بر مراحل رشد جنینی است این هم یک طایفه از روایات است که تمرکز آن بر رشد جنینی است و به مراحل بعد از تولد یا نپرداخته است یا خیلی گذرا پرداخته شده است. این هم یک طایفه است که نگاه آن معطوف به جنین و رشد جنین است؛ مثلاً در سوره قیامت، **﴿أَیَحسَبُ ٱلإِنسَٰنُ أَن یُترَکَ سُدًی﴾**[[14]](#footnote-14) **﴿أَلَم یَکُ نُطفَةٍ مِّن مَّنِیّ یُمنَیٰ ثُمَّ کَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّیٰ فَجَعَلَ مِنهُ ٱلزَّوجَینِ ٱلذَّکَرَ وَٱلأُنثَیٰ﴾** دو سه مرحله جنین در اینجا بیان شده است این در یک آیه شاید مفصل‌تر آن سوره مؤمنون است که می‌فرماید **﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِینٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِی قَرَارٍ مَّکِینٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِینَ﴾**[[15]](#footnote-15) در این گروه دوم در آیاتی که مربوط به جنین است این آیه سوره مؤمنون خیلی برجسته است که به شش هفت مرحله رشد جنینی را بیان می‌کند. این تمرکز اینجا غیر از اشاره به مبدأ، اشاره جامع آن به مراحل رشد جنینی است.

یک آیاتی هم از نوع دوم است که درباره بخش جنین و مراحل جنینی بسط بیشتری داده است که شاید مهم‌ترین آن سوره مؤمنون باشد، البته در سوره حج هم دارد که **﴿خَلَقْنَاکُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَیْرِ مُخَلَّقَةٍ﴾**[[16]](#footnote-16) آنجا هم دارد که در ادامه چیزهای دیگری هم دارد که بعد عرض می‌کنم.

مهم‌ترین از گروه دوم سوره مؤمنون است، **﴿جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِی قَرَارٍ مَّکِینٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً﴾** به نطفه اشاره می‌کند، بعد تبدیل به علقه، بعد مضغه بعد رویش استخوان‌ها و بعد گوشت و استخوان و نهایتاً مرحله ششم یا هفتم **﴿أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾** که دمیده شدن روح است که به این مراحل شش هفت‌گانه که عمدتاً بحث جنین است اشاره می‌کند. این هم یک گروه است که شاید مهم‌ترین آن شاید این باشد که تمرکز بیشتر بر این سیر تطور جنینی است و در این آیه اگر می‌خواستیم تفسیر ترتیبی ریز آیه را بحث بکنیم نکات متعددی است.

## نکاتی پیرامون آیه ۱۴ سوره مؤمنون

چند نکته در مورد آیه ۱۴ سوره مؤمنون که خوانده شد را عرض می‌کنم

### نکته اول: از نظر علمی

یک نکته از نظر علمی اینجا خیلی بحث شده است و گاهی هم شبهه شده است در مباحث قرآنی، این **﴿فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾** این قسمت این آیه یک عده‌ای آن را جزو مواردی گرفته‌اند که به قرآن نقض وارد می‌شود، شبهه درست شده است، خیلی جالب است که عده‌ای همین آیه را جزو معجزات قرآن برشمرده‌اند. دو نگاه این‌قدر متفاوت.

### شبهه در آیه ۱۴ سوره مؤمنون

آن‌ها که شبهه برشمرده‌اند در این فراز، در این قسمت معجزه و شبهه، نقطه آیه مقداری متفاوت است ولی در همین فراز است، آن قسمتی که مبدأ شبهه شده است **﴿فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾** است که می‌گوید ما به استخوان‌ها گوشت پوشاندیم، اینجوری شبهه کرده‌اند که خلاف واقعیت جنینی است، اینجور نیست که استخوان شکل بگیرد و بعد اطراف آن را گوشت بگیرد. می‌گویند با پدیده علمی و کشف علمی و حقیقت علمی که وجود دارد جور نیست. اینجور شبهه‌ای را بعضی مستشرقین و دیگران به قرآن کرده اند.

### جواب شبهه

جواب خیلی واضح است و در خود آیه هست، جواب این است که **﴿فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾** اگر خودش بود این ظاهرش این بود جور نبود، اما اینجا دارد، «فَ» مترتب کرد این **﴿فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ﴾** را بر جمله قبل، جمله قبل این است که **﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا﴾**، می‌گوید همان موادی که قبل از لحم است، همان مضغه که مثل گوشت جویده شده است، (گوشت خام جویده شده را مضغه می‌گویند) می‌گوید ما آن را به مضغه تبدیل کردیم، همان چیز علمی است، علم هم همین را می‌گوید که سلول‌ها رشد می‌کند اولاً به شکل علقه و مضغه است و آرام آرام استحکامی پیدا می‌کند و بخشی از مضغه استخوان می‌شود. اینکه قبل از آن آمده است می‌گوید از همان موادی که مضغه و علقه است از همان دو سه نوع می‌شود، بر اساس آن سازمانی که بر آن حکام است و عظام از آن‌ها پیدا می‌شود، بعد از اینکه می‌فرماید **﴿فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾** یعنی در واقع همان گوشتی که دو بخش می‌شود رشد می‌کند، یک بخش که هسته محوری است، استخوان می‌شود و بخشی دیگر که پیرامون آن را گرفته است گوشت می‌شود، این جور نیست که یک ترتبی اینجا درست کند که اول استخوان را خلق می‌کند بعد گوشت را بر آن می‌پوشاند، از دل همان مضغه این دو بالا می‌آید.

وقتی که این دو آیه قبل و بعد را با هم ببینیم دیگر کسا را دیگر به معنای اینکه این اول بوده است بعد روی آن پوشانده نیست، همان پوششی که هم‌زمان شکل می‌گیرد.

سؤال: این فاء ترتب نیست؟

جواب: فاء ترتب هست اتفاقاً می‌گوییم چون ترتب دارد نباید کسونا العظام را به معنای اینکه مکسی اولاً هست و کسوت ثانیاً هست، مثل لباس پوشیدن که اول بدن هست و لباس بر آن عارض می‌شود، این چون مترتب بر قبل شده است که **﴿خَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا﴾** این دیگر آن ظهور را پیدا نمی‌کند.

به عبارت دیگر این کسوت، یک کسوت عارضی با آن معنایی که در پوشش‌ها هست که لباس می‌گوییم نیست، این پوششی است که هم‌زمان شکل می‌گیرد، یعنی در واقع می‌گوید استخوان در باطن قرار دارد و گوشت روی آن قرار دارد ولو به اینکه هم‌زمان پیدا می‌شود و بالا می‌آید.

از طرفی هم مقالاتی نوشته شده است که آیه شریفه یک پدیده مهم علمی را اشاره می‌کند و آن در کل جمله است که از **﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ﴾** شروع می‌شود **﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا﴾** که رشد مضغه را بیان می‌کند که خود این بر اساس آن سازمانی که بر آن حاکم است، یک بخشی عظام می‌شود و یک بخش لحم می‌شود که قانون هم دارد بر اساس آن ژن‌ها و قواعدی که دارد، خود این تبدیل به آن‌ها می‌شود و از یک ماده دو شکل بیرون می‌آید و جلو می‌رود.

سؤال: اینکه فرمود فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا معنا این شد که…

جواب: می‌خواهیم بگوییم این تقدم و تأخر در این ملحوظ نیست، این که با هم ببینیم می‌خواهد بگوید **﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾** این «فاء» ترتب زمانی در آن نیست این دو جمله ترتب در مقام اثبات و بیان است که با علم هم سازگارتر است، این جور نیست که زماناً اول بگوییم استخوان است بعد گوشت روی آن را می‌گیرد.

نکته‌ای که می‌خواهیم بگوییم این است که تطبیق اینها بر چیزهای علمی امر ساده‌ای نیست و خیلی باید محتاطانه جلو رفت وقتی می‌شود تطبیق داد و حالت تفسیر داد که علم به چیز واضحی رسیده باشد، چون همه علم فرضیه است، ولی یک جاهایی به چیز واضح می‌رسد.

سخن این است که در این آیه بعضی شبهه افکنده‌اند و گفته‌اند چیز خلاف علم در آن هست و از آن طرف هم به جهاتی گفته‌اند این جزو معجزات قرآن است. به نظر ما هیچ‌کدام در این حد نیست، آیه یک چیز متعارفی که روشن است را می‌گوید مگر اینکه زمانی به نکات دقیق حل شده برسیم و بگوییم آیه هم به آن اشاره دارد.

به نظر می‌آید آیه آن تطور جنینی که تا حدی واضح است و از قدیم هم معلوم بوده است را بیان می‌کند و نطفه و علقه و مضغه و بعد از مضغه عظام و لحم را گویا در کنار هم می‌گوید از دل مضغه، عظام و لحم بیرون می‌آید، شکل آن هم حالت باطن و ظاهر دارد، کسونا دارد. این تقدم و ترتب هم خیلی معلوم نیست که مقصود باشد. این هم یک نکته در آیه شریفه است.

این آیه از آیاتی است که مقداری مبسوط‌تر به مسئله حیات جنینی و تطورات جنینی پرداخته است، آیات دیگری هم هست که به مباحث جنینی پرداخته است مثلاً در سوره زمر دارد که **﴿یَخْلُقُکُمْ فِی بُطُونِ أُمَّهَاتِکُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِی ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ﴾** آنجا به شکل کلی می‌گوید که درون جنین، خلقاً من بعد خلق است، آنجا تفصیل بود و اینجا اجمال است.

و فی ظلمات ثلاث هم بحث شده است که این ظلمات ثلاث چیست؟ که گفته می‌شود سه لایه است و امثال اینها، آن هم از نظر علمی جای بحث است که ظلمات ثلاث به چه معناست؟ ولی می‌گویند دو سه لایه است و امثال اینها.

این هم گروهی است که بیشتر بر سیر جنینی دارد به شکل مستقل و گاهی هم در آیاتی مثلاً قبل و بعد اشاره‌ای دارد.

## طایفه سوم از آیات

آیاتی است که چندان کار به تطور جنینی ندارد، برای بعد از جنین است که مراحل را اشاره می‌کند که از عالم جنین به سمت عالم بعد از تولد آمده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها آیه ۵۴ سوره روم هست **﴿اللَّهُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَیْبَةً یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِیمُ الْقَدِیرُ﴾** این ایه از غرر آیات در مراحل تطور است بعد از جنینی و پس از تولد انسان است که به سه مرحله کلی عمر را تقسیم می‌کند،

**﴿خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ﴾** یک دوره ضعف است، بعد قوت، بعد از قوت ضعف ثانوی است که **﴿ضَعْفًا وَ شَیْبَةً یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِیمُ الْقَدِیرُ﴾** این آیه شریفه هم جزو گروه سوم می‌شود که مراحل بعد از جنین را اشاره می‌کند.

در آیه البته نکاتی وجود دارد که به بعضی از آن اشاره می‌کنیم.

و صلی الله علی محمد و آل محمد

1. . سوره فرقان، آیه 2. [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره مؤمنون، آیات ۱۲ و ۱۳ [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره انسان، آیه ۲ [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره صافات، آیه ۱۱ [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره طارق، آیه ۶ [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره یس، آیه ۷۷ [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره علق، آیه ۲ [↑](#footnote-ref-7)
8. - سوره انعام، آیه ۲ [↑](#footnote-ref-8)
9. - سوره غافر، آیه ۶۷ [↑](#footnote-ref-9)
10. - سوره فرقان، آیه ۵۴ [↑](#footnote-ref-10)
11. - سوره غافر، آیه ۶۷ [↑](#footnote-ref-11)
12. - سوره روم، آیه ۲۰ [↑](#footnote-ref-12)
13. - سوره نور، آیه ۴۵ [↑](#footnote-ref-13)
14. - سوره قیامت، آیات ۳۶ - ۳۸ [↑](#footnote-ref-14)
15. - سوره مؤمنون، آیات ۱۳ و ۱۴ [↑](#footnote-ref-15)
16. - سوره حج، آیه ۵ [↑](#footnote-ref-16)